

طهارت و مراتب آن

طهارت و پاکیزگی از اموری است که اسلام به طور کلی اهمیت فراوانی برای آن قائل شده است.

در قرآن مجید آمده است که خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

«والله يحب المطهرين» (توبه/۱۰۸).

«ويعبب المتطهرين» (بقره/۲۲۲).

و پاکیزگی بندگان خواست خداوند است.

«... ولكن يريد ليطهركم» (مائده/۶)

و از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

«الطهور نصف الايمان». (جامع السعادت، ج ۳/۲۴۸).

پاکیزگی، نصف ایمان است.

آیات و روایات در این زمینه بسیار است که به عنوان نمونه به موارد فوق بسنده می شود.

طهارت از نظر کلی به طهارت ظاهری و طهارت باطنی تقسیم

میشود و طهارت ظاهری مشتمل است بر طهارت از خبث، طهارت از نجاست

و طهارت از کثافات و چرکهای ظاهری که احکام ظاهری آنها در

کتاب فقهی بیان شده است.

و اما آداب باطنی هریک از آنها در این مبحث مورد اشاره قرار

خواهد گرفت و طهارت باطنی به نوبه خود دارای سه مرتبه است:

۱- پاک کردن جوارح از گناهان و آثار آنها و سرسپردن به اوامر و

دستورات خداوندی.

۲- پاک کردن قلب از صفات ردیله و آراستن آن به فضایل

اخلاقی.

۳- پاک کردن قلب از هر چه جز خداست و تسلیم نمودن آن به

حق.

تحقق هریک از مراتب طهارت از یک سو مستلزم زدودن آلودگی و

ظلمت مربوط به آن مرتبه است و از سوی دیگر آراسته شدن به کمال و

نورانیت متناسب با آن مرتبه، بنابراین تطهیر ظاهر از نجاسات و جوارح از

گناهان و قلب از ردائیل اخلاقی و روح از ماسوی الله نیمی از مقصود

است، و نیم دیگر آن عبارت است از آراستن ظاهر به نظافت و

پاکیزگی و جوارح به اطاعت از دستورات الهی و قلب به فضایل

اخلاقی و روح به تسلیم محض در برابر حق و تابش نور ایمان و حب

خدا در آن و اشاره به همین نکته است سخن رسول خدا (ص) که

فرمود:

«الطهور نصف الايمان».

طهارت نیمی از ایمان است.

نکته دیگر آن که دست یافتن به طهارت باطن بدون طهارت ظاهر

منصور نیست همان گونه که رسیدن به مراتب عالیة طهارت باطنی بدون

دست یافتن به مراتب قبلی آن غیر ممکن است.

بنابراین، انسان به مرتبه طهارت قلب از ماسوی الله و دل بستن به

خدا نمی رسد مگر بعد از تحصیل مرتبه طهارت قلب از ردائیل اخلاقی و

آراستن آن به فضایل اخلاقی، و به این مرتبه نیمی رسد مگر با پاک

شدن از گناهان و آراسته شدن به طاعات و به این مرتبه نیز دست

نمی یابد مگر با طهارت از خبث و حدث و تحصیل نظافت و پاکیزگی

ظاهری.

در اینجا، به طور اجمال، به پاره ای از محورهایی که موجب

طهارت انسان می شوند اشاره می کنیم گرچه هریک از این موارد در

جای خود نیاز به توضیح بیشتر دارد.

۱- آب

«وینزل علیکم من السماء ماء لیطهركم به ویدهب عنکم رجس الشيطان ولیربط

علی قلوبکم و ثبت به الاقدام». (انفال/ ۱۱)
 و از آسمان آبی بر شما نازل فرمود که با آن پاکتان کند و آرایش شیطان را از شما بزدايد و دلهايتان را محکم نموده و قدمهايتان را استوار سازد.

«وانزلنا من السماء ماء طهوراً». (قرآن/ ۴۹).
 و از آسمان آبی پاک نازل کردیم.

و در روایتی که از حضرت صادق علیه السلام در باره آب و آداب باطنی هنگام استفاده از آن برای طهارت و وضو نقل شده است چنین میفرماید:

«اذا اردت الطهارة والوضوء فنضمد الی الماء تقدمک الی رحمة الله فان الله قد جعل الماء مفتاح قرینه و مناجاته و دليلاً الی بساط خدمته و كما ان رحمة الله تطهر ذنوب العباد كذلك النجاسات الطاهرة بطهرها الماء لا غير قال الله تعالى:

«هو الذي ارسل الرياح بشارا بين يدي رحمته وانزلنا من السماء ماء طهوراً» وقال الله تعالى: «وجعلنا من الماء كل شيء حي الفلابوتون».

فكما احياه كل شيء من نعم الدنيا كذلك برحمته وفضله جعل حياة القلوب الطاعات وتفكر في صفاء الماء ووقته وطره و برکت و لطيف امتزاجه بكل شيء و استعماله في تطهير الاعضاء النسي امرک الله بتطهيرها و أنت یادها في فرائضه و سننه فان نحت کل واحد منها فوائد كثيرة فاذا استعملتها بالحرمة انبجرت لك عبون فوانده عن قريب ثم عاشر خلق الله كما امتزاج الماء بالاشياء يؤدی كل شيء حقه ولا يتغير عن معناه معتبراً لقول رسول الله (صلى الله عليه وآله) مثل المؤمن المخلص (الخاص) كمثل الماء ولكن صفوتك مع الله تعالى في جميع طاعتك كصفوة الماء حين انزله من السماء و سماه طهوراً و طهر قلبك بالتقوى واليقين عند طهارة جوارحك بالماء». (آداب الصلوة به نقل از مصباح الشريعة باب ۱۰)

آنگاه، که اراده طهارت و وضو کردی به سوی آب توجه کن بدانسان که به رحمت حق توجه کنی چرا که خداوند آب را کلید تقرب به خود و مناجات خویش و راهنمای بساط خدمت خود قرار داده است همان گونه که رحمت خدا گناهان بندگان را پاک می کند، نجاسات ظاهری را آب پاک می کند نه غیر آن.

خداوند متعال می فرماید: اوست آن کس که یادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش فرستاده و از آسمان آبی پاکیزه را نازل کردیم. و همچنین می فرماید: و قرار دادیم هر چیز زنده را از آب.

پس همان گونه که هر چیزی از نعمتهای دنیا را آب حیات بخشیده به رحمت و فضل خویش نیز طاعات را وسیله حیات قلوب قرار داد و اندیشه نما در صفای رقت، طهارت و برکت آب و لطافت محزوج شدن آن با هر چیزی.

و استعمال کن آن را در تطهیر اعضایی که خداوند ترا به پاکیزه نمودن آنها امر فرموده و ادا کن آداب آن را در فریضه ها و مستتهای الهی. زیرا که در سایه هریک از آنها فواید بسیار است که چون آن را با احترام استعمال کنی، از نزدیک منفجر شود برای تو چشمه های فایده های آن.

حضرت امام قدس سره الشریف در توضیح این فراز حدیث چنین می فرماید:

«اشاره فرموده به اینکه اهل مراقبه و سلوک نباید واقف به صور ظواهر اشياء شوند بلکه باید ظاهر را مرآت باطن قرار دهند و از صور، مطابق را کشف کنند و به تطهیر صوری قناعت نکنند که آن دام ابلیس است. پس از صفای آب پی به تصفیه اعضا برند و آنها را با اداء نمودن فرایض و سنن الهیه تصفیه کنند و صفا دهند و از رقت آنها اعضا را ترفیق کنند و از غلظت تعصی بیرون آورند و ظهور و برکت را در جمیع اعضا سرایت دهند و از لطف امتزاج آب با اشیا کیفیت امتزاج قوای ملکوتیه الهیه را با عالم طبیعت ادراک کنند و نگذارند فذرات طبیعت در آنها اثر کند.

و چون اعضا را به سنن و فرایض الهیه و آداب آنها منغمس نمود فواید باطنیه کم کم ظاهر شود و چشمه های اسرار الهیه منفجر شود و لمحهای از اسرار عبادت و طهارت برای او متکشف گردد».

ادامه ترجمه روایت:

میسس با خلق خدا معاشرت کن، همانند آمیزش آب با اشیا که حق هر چیزی را ادا می کند و از معنای خود تغییر نمی یابد و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را مورد تأمل قرار داده که فرمود: مثل مؤمن خالص مثل آب است.

حضرت امام قدس سره الشریف در ذیل این فراز نیز چنین می فرماید:

«دستور اول مربوط بود به معامله انسان مالک با قوای داخلیه و اعضای خود و دستور دوم که در این فقره از حدیث شریف است مربوط است به معامله انسان با خلق خدا. و این دستور جامعی است که کیفیت معاشرت مالک را با مخلوق بیان فرموده و ضمناً از آن حقیقت خلوت نیز استفاده شود و آن چنان است که سالک الی الله در عین حال که با هر دسته از مردم معاشرت به معروف کند و حقوق خلقیه را رد نماید و با هریک از مردم به طور مناسب حال او مراد و معامله کند از حقوق الهیه نگذرد و معنای خود را که عبارت از عبودیت و توحه به حق است از دست ندهد، و در عین حال که در کثرت واقع است در خلوت باشد و قلب او که منزلگاه محبوب است خالی از اغیار و فغان از هر نقش و نگار باشد».

و در سومین فراز حدیث که مربوط است به بیان وظیفه مالک با

خدای خویش چنین می فرماید:

«و باید صفای تو با خداوند متعال در تمام طاعاتت همانند صفای آب باشد هنگامی که آن را از آسمان نازل فرمود و آن را ظهور نامید».

حضرت امام در توضیح این فراز می فرماید:

«یعنی باید سالک الهی خالص از تصرف طبیعت باشد و کدورت و ظلمت آن را در قلب او راهی نباشد و جمیع عبادات او خالی از جمیع شرک های ظاهری و باطنی باشد. و همان طور که آب در وقت نزول از آسمان طاهر و پاکیزه است و دست تصرف قذارات به آن دراز نشده، قلب سالک که از سماء غیب ملکوت، طاهر و پاکیزه نازل شده نگذارد در تحت تصرف شیطان و طبیعت واقع شده و به قذارات آلوده گردد».

حضرت امام در ادامه ترجمه و شرح حدیث چنین می فرماید:

«پس از این دستور، آخرین دستور جامع را برای اهل ریاضت و سلوک بیان فرمود، می فرماید:

پاکیزه کن دل خوشتن را به پرهیزکاری و یقین، در وقت پاکیزه نمودن اعضای خود را به آب.

و در این، اشاره به دو مقام شامخ اهل معرفت است: یکی تقوا که کمال آن ترک غیر حق است، و دیگری یقین که کمال آن مشاهده حضور محبوب است».

۲- وضو، غسل، تیمم

این سه موجب طهارت از حدث هستند.

در آیه ۶ سوره مائده بعد از بیان احکام کلی وضو، غسل و تیمم می فرماید:

«... ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولكن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون».

خداوند نمی خواهد برای شما ایجاد حرج کند، ولی می خواهد شما را پاک نماید و نعمت خویش را بر شما تمام کند شاید سپاس دارید.

از اینکه خداوند متعال هدف از تشریح وضو، غسل و تیمم را پاکیزه کردن بندگان و اتمام نعمت بر آنان بیان فرموده است، پس روشن است که منظور نهایی تنها طهارت ظاهری نیست، بلکه در آنها اسراری نهفته است که با دست یافتن به آنها راه طهارت باطنی و کمالات نفسانی همسوار می شود، که نمونه ای از آن را در روایت نقل شده از امام رضا (ع) درباره اسرار وضو مورد توجه قرار می دهیم:

عن الرضا (علیه السلام) «انما امر بالوضوء لیكون العبد طاهراً اذا قام بین یدی الجبار وعند مناجاته اياه مطیعاً له فیما امره فیا من الادناس والنجاسة مع ما فیه من ذهاب الکسل وطرده النعاس و تزکیة الفؤاد للقیام بین یدی الجبار و انما

وجب علی الوجه والیدین والراس والرجلین لان العبد اذا قام بین یدی الجبار فانما ینکشف من جوارحه ویظهر ما وجب فیه الوضوء وذلك انه بوجه یسجد ویخضع ویبده بسل ویرغب ویرهب ویشکل ویرأسه یتقبله فی رکوعه وسجوده وبرجلیه یقوم ویقعد» الخبر. (میزان اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۴، باب ۳۴، حدیث ۱).

همانا به وضو امر شده است برای آنکه بنده هنگامی که در پیشگاه خدای جبار به مناجات می ایستد پاک باشد و برای آنکه در آنچه او را فرمان داده، مطیع باشد و از کثافات و نجاسات پاکیزه باشد به علاوه آنکه در وضوء فواید دیگری است مانند برطرف شدن بی حالی و تنبلی و دور شدن چرت و پاکیزه شدن قلب برای ایستادن در پیشگاه خداوند جبار.

حضرت امام خمینی قدس سره در توضیح این فراز چنین می فرماید:

«تا اینجا نکته اصل وضو را بیان فرمود و اهل معرفت و اصحاب سلوک را تبه نمود به اینکه در محضر مقدس حق جل و علا ایستادن و مناجات با قاضی الحاجات نمودن را آدابی است که باید منظور شود حتی با قذارات صوریه و کثافات ظاهریه و کسالت چشم ظاهر نیز نباید در آن محضر رفت چه جای آن که دل معذب کثافات باشد و قلب مبتلا به قاذورات معنویه که اصل همه قذارات است، باشد».

با آنکه در روایت است که خدای تعالی نظر نمی کند به صورتهای شما، بلکه نظر می فرماید به قلبهای شما و با آن چه انسان به حق تعالی توجه می کند و آنچه از عوالم خلقیه لایق نظر کبریای عظمت و جلال است قلب است و دیگر جوارح و اعضا را آن حظ و نصیبی نیست مع ذلك طهارت صوریه و نظافت ظاهرته را نیز اهمال ننموده اند، صورت طهارت را برای صورت انسان مقرر فرمودند و باطن آن را برای باطن او.

و از آنکه تزکیه قلب را در این حدیث شریف از فواید وضو قرار داده، معلوم شود که برای وضو باطنی است که به آن تزکیه باطن شود و نیز رابطه ما بین ظاهر و باطن و شهادت و غیب معلوم شود، و نیز استفاده شود که ظهور ظاهری و وضوی صوری از عبادات است و اطاعت رب است و از این جهت ظهور ظاهر موجب ظهور باطن گردد و از طهارت صوری تزکیه فوائد شود».

حضرت امام رضا علیه السلام در ادامه حدیث در مقام بیان راز هریک از اجزای وضو چنین می فرماید:

و یدین جهت وضو بر صورت و دو دست و پا واجب گردید که بنده آنگاه که در پیشگاه خداوند جبار ایستاد، نمودار و آشکار می شود از جوارح او آنچه که وضو در آن واجب شده است، چرا که با روی خوش سجده و خضوع کند و با دستش سؤال و رغبت و رهبت نماید و منقطع به سوی حق شود و با سر خویش خدای را در رکوع و سجودش استقبال

کند و با پاهایش می ایستد و می نشیند و...
حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در توضیح این فراز چنین می فرماید:

«آنچه محل ظهور عودیت است در محضر مبارک حق، باید ظاهر و پاکیزه باشد و اعضا و جوارح ظاهرته که حفظ ناقصی از آن معانی دارند بی طهارت لاین مقام نیستند. با آنکه عرصه از صفات وجه بالحقیقه نیست و سؤال و رغبت و رهبت و

نیگل و استقبال هیچ یک از شئون اعضاء حسیه نیستند، ولی چون این اعضاء مظاهر آنهاست تطهیر آنها لازم آید. پس تطهیر قلب که محل حقیقی عودیت و مرکز واقعی این معانی است تطهیرش لازم تر است و بدون تطهیر آن اگر با هفت دریا اعضاء صوریه را شست و شونمابند تطهیر نشود و لیاقت مقام پیدا نکند بلکه شیطان را در آن تصرف باشد و از درگاه عزت معرود گردد.» (نقل از کتاب آداب الصلوة)

بقیه از علی، محور تمام فضیلتها و حقیقتها

من کسی او را نمی دید، و آن روز، اسلام در خانه ای جمع نشده بود جز خانه رسول خدا «ص» و خدیجه که من سومی آن دو بودم که نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت و پیامبری را استشمام می نمودم. و به راستی که صدای ناله شیطان را هنگامی که وحی بر پیامبر «ص» نازل شد، شنیدم و به پیامبر عرض کردم: این صدا چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستیده شدن خودش ناامید گشته. و همانا تو ای علی، می شنوی آنچه را من می شنوم و می بینی آنچه را من می بینم جز آنکه تو پیامبر نیستی ولی تو وزیر و یار و جانشین من می باشی و تو بر خیر خواهی بود.

علی همیشه با پیامبر و همراه او در سختی ها، محنت ها شدت ها و ناگواریهای روزگار بود و تنها یار و یاورش بود که در شب هجرت، ایشان را از خود گذشتگی رایه اوج خود رساند و جان عزیزش را در معرض شمشیرهای برهنه مشرکان قرار داد تا پیامبر سالم بماند و آنجا بود که خداوند این آیه را نازل فرمود: «ومن الناس من يشيرونك انما يريدون ان يخرجوك من مكة ويكفركم وهم لا يشعرون» و از مردمان است، کسی که جان خویش را برای بدست آوردن رضای خدا، می فروشد و در طریق اخلاص می گذارد.

پس چه جای سخن گفتن درباره کسی است که با پیامبر، نور واحدی تشکیل می داد و حضرت رسول او را وصی و جانشین خود معرفی کرد و درباره اش می فرمود:

«علی برادر من در دنیا و آخرت است.»
«علی از من است و من از علی ام.»
«علی برادر من و وصی من و خلیفه من بعد از من است! پس سخنانش را گوش دهید و اطاعتش کنید.»

«هر که می خواهد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و در بهشت جاویدانی که پروردگارم وعده ام کرده، ساکن شود، پس باید ولایت علی بن ابی طالب را داشته باشد چرا که او هرگز شما را از راه هدایت بیرون نمی آورد و هرگز شما را در گمراهی وارد نمی سازد.»

«علی با حق است و حق با علی است، همراه او می چرخد.»

یعنی علی همیشه نقطه مرکزی و محور است، و تمام حقیقت ها، فضیلت ها، کرامت ها و شرافت ها گرداگرد وجودش می چرخند. علی در مرکز است و تمام اخلاق پسندیده الهی و تمام کردارهای نیک دور او در حرکت و چرخش اند. علی محور است و عبادت، ورع، تقوا، زهد، شجاعت، شهامت، محبت، بردباری، بخشندگی، مهربانی، پایداری، استقامت، علم، خشوع، ایمان و جوانمردی، اطراف او در حرکت اند و می چرخند، پس اگر کسی بخواهد به هریک از این فضائل و کمالات الهی دست یابد، باید ولای علی را با دل و جان پذیرا گردد که اگر لحظه ای ولایت علی از انسان دور شد، نیایشها و عبادت‌هایش جز غضب و دشمنی خداوند، بهره ای برای او نخواهد در برداشت، چه هیچ کس از صراط رد نمی شود و نمی گذرد، مگر در صورتی که جواز و پاسپورت به امضای علی داشته باشد. و ما امیدواریم که گذرنامه های آخرتی ما به امضای مبارکش برسد تا در بهشت جاویدان خداوند، مهمان علی باشیم.

پایان بخش مقال، روایتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره علی علیه السلام نقل می کنیم که صدوق علیه الرحمه در خصالش آورده است:

«با علی! خدای تبارک و تعالی به من درباره تو هفت خصلت عطا فرموده است: تونخستین کسی هستی که قبرش شکافته می شود و همزمان با من سر از گور برآوردی. و تونخستین کسی هستی که به همراه من سربل صراط بایستی و پس از آنکه من جامه بهشتی بپوشم، تونخستین کسی باشی که جامه برتن کسی و پس از زنده شدن من، نخستین فردی باشی که زنده گردی و نخستین کسی باشی که با من در علین جایگزین شوی و نخستین کسی باشی که با من از بادیه بی درد بهشتی که با مشک سر مهر شده است، بنوشی.»

فرا رسیدن این روز بزرگ و این عید خجسته را به مقام والای فرزند اطهرش ولی الله الاعظم ارواحنا فداء، مقام معظم رهبری، ملت بزرگ ایران و تمام شیعیان جهان تبریک و تهنیت عرض می کنیم.